

تحول در آئین‌های اعدام در گذار از دوره‌ی قاجار به مشروطه و پهلوی (از مرگ هزارباره تا نقطه صفر تعذیب)

یعقوب خزائی، استادیار گروه تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی*
شیرزاد خزائی، استادیار گروه تاریخ دانشگاه بیرجند

چکیده

مجازات یکی از راهبردهای جوامع به‌منظور نفی رفتار نا‌همنوایی است که برخی اصول و سنت‌های جوامع را مورد تهدید قرار می‌داده است. اعدام هم از قدیمی‌ترین و متداول‌ترین روش‌های مجازات بوده است بطوریکه در تمام جوامع بشری به اشکال مختلف و متنوع اعمال می‌شده است و می‌توان در آن انواع خشونت‌های تمام‌عیار و تعذیب‌های دهشتناک بدنی را ملاحظه کرد. در دوره مشروطه به دلیل ظهور نگرش و ایستارهای نوین شکل و صورت مجازات اعدام دستخوش تغییر و تحول شد. حال پرسش پژوهش حاضر این است که در گذار از دوره قاجار به مشروطه و عصر جدید فنون و تکنیک‌های کیفر اعدام دچار چه نوع تغییراتی شده است و آیا این تغییرات را می‌توان ضرورتاً در جهت ترقی و تعالی رفتار با نوع بشر ارزیابی کرد؟ به نظر می‌رسد ما در حال گذار از نمایش عمومی اعدام به اعدام در گوشه زندان‌ها، از تعذیب شدید بدنی به اعدام به‌وسیله دار و طناب و تیرباران، و از تعذیب طولانی به اعدام سریع و آبی محکومان هستیم. در چنین چرخشی درصحنه مراسم اعدام مدرن حضور مدرن چون پزشکی، روانشناسی و روش‌های بالینی و حقوق از یک‌سو و فن‌آوری‌های نوین چون عکس‌برداری و اسلحه گرم از سوی دیگر قابل‌بررسی است. از این‌رو اعدام مدرن همبسته علوم مدرن است و بدون علوم مدرن وجود خارجی نخواهد داشت.

واژگان کلیدی: مجازات، اعدام، حقوق کیفری، قاجار، پهلوی.

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۰۴

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۱۸

*E-mail: Khazaei@HUM.ikiu.ac.ir

مقدمه

کیفر و مجازات همان‌طوری که در سیاست‌نامه‌ها هم مورد تأکید قرار گرفته است ابزاری برای حفظ تمدن از آسیب‌های متجاوزان است. (۱) در تمام جوامع حتی خردترین آن‌ها مانند خانواده نوعی از کیفر وجود دارد تا افراد از قواعد و هنجارهای آن تخطی نکنند. تنبیه و مجازات همزاد جرم است و جرم هم با عرف و قانون پیوند دارد. از آغاز پیدایش انسان جرم و به دنبال آن کیفر و مجازات پدید آمده است. هر جا که نامی از مجازات در بین است، می‌توان انتظار داشت که قانون، مقررات و هنجارها هم تعریف شده باشند چراکه اساساً از دیدگاه فیلسوف انگلیسی توماس هابز (Thomas Hobbes) «جرم گناهی است که از ارتکاب فعلی که قانون منع کرده (چه در کردار و چه در گفتار) و یا خودداری از انجام فعلی که قانون بدان حکم نموده است نتیجه می‌شود» (هابز، ۱۳۸۴: ۲۷۲). بنابراین هر جرمی گناه هم هست اما هر گناهی جرم نیست (۲). مجازات اعدام (۳) همواره مخالفان (۴) و موافقان (۵) سرسختی خود را داشته است که هر کدام با دلایل عدیده به آن معتقد یا با آن به شدت مخالفت می‌ورزیده‌اند (۶). در هر دوره‌ی تاریخی برای جرم‌های متفاوتی مجازات اعدام در نظر گرفته می‌شد. پژوهش حاضر تلاش بر این است که صرفاً تغییرات در صحنه مراسم اعدام و تشریفات همبسته با آن را ردیابی و ارزیابی شود؛ تغییر و تحولاتی که در دوره‌ی گذار از قاجار به مشروطه - که دوره‌ی شکل‌گیری حقوق کیفری نوین در ایران بود - شکل گرفته است. به دیگر سخن این تحقیق قصد دارد تا با بررسی روند گذار از «مرگ هزار باره (۷)» به اعدام منهای تعذیب و چگونگی تحقق آن را بررسی نماید.

لازم به ذکر است که جهان‌بخش ثواقب بخشی از مقاله خود با عنوان مجازات‌های عرفی مجرمان در عصر قاجاریه را به اعدام اختصاص داده است (ثواقب، ۱۳۹۴: ۳۳ - ۲۹) و همین‌طور آبراهامیان در اعترافات شکنجه‌شدگان در موضعی به اعدام گروه‌های مختلف در دوره محمد رضا شاه پرداخته است ولی هیچ‌یک از دو نوشتار فوق ویژگی‌ها و تکنیک‌های اعدام را مورد توجه قرار نداده‌اند. همین‌طور در کتاب فرایند ساخت یابی نهاد زندان بخش کوتاهی به اعدام در دوره رضا شاه اختصاص داده شده است (خزائی، ۱۳۹۶: ۳۰۲ - ۲۹۷). ضمن اینکه مقاله حاضر تشریفات صحنه اعدام را در دوره قاجار و پهلوی بررسی کرده و این تشریفات را مقایسه نموده است؛ مسئله‌ای که تاکنون مورد توجه قرار نگرفته بود.

اعدام در دوره‌ی قاجار (ماقبل مشروطه)

در قوانین حمورابی برای نخستین بار در آثار مدون بشری مجازات اعدام ثبت گردید. دزدی یکی از جرم‌هایی بود که در قانون مذکور برای آن اعدام در نظر گرفته شده بود. در قرون نخستین دوره ساسانی، کیفر جرم‌هایی نظیر کفر، عصیان و... اعدام بود و معمولاً این مجازات به وسیله شمشیر اجرا می‌شد. در شریعت اسلام نیز یکی از مجازات‌هایی که به‌عنوان حد در نظر گرفته شده، اعدام است و در قصاص هم قصاص نفس یا اعدام تعریف شده است. اعدام در یاسای چنگیزی از مجازات‌های اصلی بود، بطوریکه برای بسیاری از جرائم خرد و کلان نظیر دروغ‌گویی، افسونگری، ادرار در آب یا خاکستر، زنا و غیره، اعدام در نظر گرفته شده بود. در دوره قاجاریه مجازات به شیوه‌های گوناگون اعمال می‌شد. دست بریدن، گوش بریدن (۸)، کندن موهای ریش، داغ و درفش، درآوردن چشم از حدقه و ... از جمله مجازات و شکنجه‌های این دوران بود. یکی از مهم‌ترین کیفرها کما فی السابق اعدام بود. میدان محل اعدام به میدان پا قاپوق (۹) اشتهار داشت. برای مجازات اعدام در فراشخانه افراد معینی استخدام می‌شدند. این اشخاص از قسی‌القلب‌ترین افراد انتخاب می‌شدند و با نام «میرغضب» و لباس قرمز متمایز بودند. میرغضب‌ها را معمولاً از میان افراد غیرطبیعی و دیوانه انتخاب می‌کردند و آن‌ها معمولاً وظیفه خود را در حین مستی انجام می‌دادند (مختاری، ۱۳۲۹: ۱۰).

اعدام در دوره قاجاریه به شیوه‌های گوناگون انجام می‌شد؛ از «مرگ هزار باره (Mille morts)» موردنظر فوکو (Michel Foucault) که درد را تا بی‌نهایت طول می‌دهد، تا گردن زدن یعنی درجه صفر تعذیب که درد را با یک حرکت و به یک لحظه می‌رساند (۱۰) (Foucault, ۲۰۰۴: ۱۹ - ۱۷). یکی از نمونه‌های معروف «مرگ هزار باره» «چهارمیخ کشیدن» بود که در آن دست، پا و بدن محکوم را با میخ به تخته‌ای می‌کوبیدند و او را در همین حالت نمایش می‌دادند تا در طی چند روز جان بسپارد. دیگر بریدن بدن یا ااره کردن بود که در این گونه اعدام مجرم را معلق نگاه می‌داشتند و از ران تا سر او را کم‌کم به فاصله‌ای ااره می‌کردند (فوردکاو، ۱۳۸۴: ۸۷ و ۸۸؛ شین جوء، ۱۳۹۳: ۱۰۵). دیگر نحوه اعدام زنده‌به‌گور کردن بود که در آن محکوم را زنده در زمین حفر شده می‌گذاشتند بطوریکه فقط سرش از زمین پیدا بود و پس از چندی می‌مرد (سرن، ۱۳۶۲: ۱۲۶). یکی از شیوه‌های متداول اعدام دوره‌ی قاجار که جزء تفریحات میرغضبان (۱۱) به شمار می‌آمد «نسق نمودن» بود. مقصود از این گونه اعدام میخکوب کردن گوش‌ها به دیوار بود تا مقصر باحالت رقت‌انگیزی جان می‌سپرد (مختاری، ۱۳۲۹: ۱۰). دیگر شیوه‌های اعدام به‌قرار زیر بود؛ زنده گچ گرفتن، دریدن بدن، بستن مجرم

به دهنه توپ، آتش زدن و ... (سایکس، ۱۳۷۰: ۵۵۲؛ دیولافوا، ۱۳۶۱: ۳۸۰؛ ویلس، ۱۳۶۳: ۲۹۷). ولی شیوه اصلی اعدام این‌گونه بود که میرغضب سر محکوم را عقب می‌کشید و گلویش را می‌برید و معمولاً سر محکوم را جدا نمی‌کردند. از نمونه‌های معروف این نوع مجازات، اعدام سه تن از آزادیخواهان ایرانی در سال ۱۳۱۳ ه.ق یعنی میرزا آقاخان کرمانی، شیخ احمد روحی و خبیرالملک بود. به دستور ولیعهد محمدعلی میرزا سر هر سه تن را بریده، پوست سرشان را کنده و پر از گاه نموده، همان شب به تهران ارسال کردند (کسروی، ۱۳۷۸: ۱۴۰ - ۱۳۶).

بر اساس یک سند اعدام در سال ۱۳۰۹ ه.ق (۱۲) به شرح ذیل توصیف شده است: نخست عکس مجرم که واجب القتل بود در عکاس‌خانه می‌انداختند و آن عکس را به حضور شاه می‌بردند. به مجرد عکس‌برداری اعدام وی حتمی بود. پس از حکم شاه و ابلاغ حاجت الدوله مجرم را مغلولاً از انبار (۱۳) بیرون آورده و به‌جانب قاپوق می‌کشاندند. در پای قاپوق (دار اعدام) به مقصر قلیان و اندک دلخوشی می‌دادند و بعد او را اعدام می‌کردند. قانون بر آن بود که جسد مجرم باید تا سه روز پای قاپوق بماند مگر به شفاعت کسی این قاعده لغو می‌گردید. اگر مقتول متمول بود از ورثه پول کاردی هم اخذ می‌کردند و آنگاه چند تن میرغضب کوزه خالی برداشته و در بازار و محلات شهر پول مطالبه می‌کردند. گاهی مقدار این مبلغ به دویست تا سیصد تومان می‌رسید («اجرای حکم اعدام»، ۱۳۵۴: ۱۷ و ۱۸). این مجازات توسط والیان و حکام اجرا می‌شد و صرفاً آن‌ها می‌توانستند، حکم اعدام صادر کنند اما از اواسط سلطنت ناصرالدین‌شاه این حق صرفاً در انحصار شاه درآمد (کرزن، ۱۳۷۳: ۵۹۱؛ ویلس، ۱۳۶۳: ۸۷). در مجازات اعدام دوره قاجار (قبل از مشروطه) سه ویژگی عمده دیده می‌شود: نخست اینکه تعذیب شدید بدنی در تمام انواع اعدام‌ها دیده می‌شود و به‌تدریج از اواسط دوره ناصرالدین‌شاه از شدت تعذیبها کاسته می‌شود. دوم اینکه اعدام همواره در انظار عمومی انجام می‌شد و اجرای آن قدرت سلطنت را بر آحاد مردم نشان می‌داد. اعدام درملأعام می‌تواند از حیث روان‌شناسی نیز تأویل شود. حضور مردم درصحنه اعدام زمینه ذهنی را بر آنان ایجاد می‌کرد تا هیچ‌گاه خود را با حکومت طرف نکنند. این نمایش و تشریفات همراه با آن به عمق وجود حاضران در نمایش فرومی‌رفت و خود به‌مثابه نمایش و عرض‌اندام قدرت به شمار می‌رفت. سوم اینکه از دوران ناصرالدین‌شاه عکس گرفتن از محکومان به اعدام به‌عنوان اصلی اساسی در اعدام‌ها پدیدار شد و از نقطه‌نظر نشانه‌شناختی عکس انداختن به معنای اعدام و نیست کردن به شمار می‌آمد. اتفاقاً به همین جهت بود که وقتی در زمان تصدی سوئدی‌ها (۱۴) بر نظمیه به‌منظور جمع‌آوری سوابق مجرمان مقرر شد از زندانیان انگشت‌نگاری و عکس‌برداری کنند، زندانیان به‌شدت از نزدیک شدن به دستگاه انگشت‌نگاری و عکس‌برداری امتناع می‌ورزیدند (بری دال، ۱۳۸۰:

۴۶). آن‌ها هنوز عکس‌برداری را نشانه‌ای از مرگ تلقی می‌کردند؛ تلقی که کاملاً خطا بود و آنان به تحول در معنای نشانه‌ها آگاهی نداشتند.

تغییرات در شیوه‌های شکنجه به روابط با فرنگ و مدرنیزاسیون مربوط می‌شود. ناصرالدین‌شاه در سفر سال ۱۲۹۲ ه.ق به فرنگ تحت تأثیر آنجا شیوه‌هایی خشونت‌آمیز مجازات مانند چهارمیخ کشیدن را طرد کرد و از آن‌پس مجازات اعدام با سربریدن و یا دار زدن انجام می‌شد (شین جوء، ۱۳۹۳: ۱۰۵). ناصرالدین‌شاه همچنین در بازگشت از سفر دوم خود به ایران در سال ۱۲۹۵ ق / ۱۸۷۸ م فردی به نام کنت دو مونت فورت (conte de monte forte) را به‌منظور سامان دادن به وضع امنیت تهران به استخدام دولت درآورد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۲۰۹۷ و ۲۰۹۶). کنت درصدد برآمد تا به‌منظور تغییر در سازمان نیروی پلیس ایران طرحی را نوشته به تصویب شاه برساند. طرح تنظیمات کنت مشتمل بر ۸ فصل بود و غرض از آن نظم بخشیدن به امور پلیس بود. فصل هیجدهم و پایانی طرح تنظیمات به مجرمان و مجازات آنان اختصاص داشت. بر طبق این فصل کسانی که مرتکب قتل و غارت و اقدامات مباین شریعت می‌شدند، مجازات‌های اعدام، حبس و ... برایشان لحاظ شده بود (سیفی فمی تفرشی، ۱۳۶۲: ۶۶ و ۶۷). نخستین نوآوری‌ها و تغییر در عرصه حقوق کیفری در طرح تنظیمات پدید آمد. اتفاق مهمی که در قوانین کنت حادث شد اینکه به لحاظ نظری حبس جایگزین اعدام‌های صعب و دهشتناک گذشته شد و حبس به‌منزله مجازات اصلی بر اعدام غلبه یافت چنانکه در طرح تنظیمات آمده بود که اگر کسی خیالات و تحریکات سوء علیه دولت داشته باشد برحسب تقصیر از یک الی ۱۵ سال زندانی می‌شد. درحالی‌که پیش‌ازاین قصد و نیت توطئه علیه سلطنت با بی‌رحمی تمام مجازات می‌شد ولی در قوانین کنت برای این جرم‌ها زندان پیش‌بینی شده بود و می‌توان طرح تنظیمات او را سرآغاز حقوق کیفری نوین در ایران به شمار آورد. به‌عنوان نمونه می‌توان نحوه شکنجه و اعدام بای‌هایی که در اوایل سلطنت ناصرالدین‌شاه به جان او سوءقصد کردند را با اعدام میرزا رضای کرمانی قاتل ناصرالدین‌شاه مقایسه کرد. درحالی‌که در مورد بای‌ها شدیدترین شکنجه‌ها و از آن جمله شمع آجین کردن (۱۵)، اعمال گردید اما در مورد قاتل ناصرالدین‌شاه تنها به اعدام او به‌وسیله دار بسنده کردند (۱۶) و این خود مؤید آن است که تغییراتی در عرصه مجازات‌ها پیش از مشروطه پدید آمده بود.

اعدام در دوره مشروطه و پهلوی

در اروپای قرون وسطی (۱۷) هم مانند شرق مجازات‌های اعدام با مرگ‌های هزار باره همراه بود. از اواخر قرون وسطی تا قرن ۱۹ م شاهد تغییرات مهمی در اشکال اعدام هستیم. در قرون ۱۷ و ۱۸ م تغییرات برجسته‌ای به سوی اشکال بدتری از اعدام دیده می‌شود که در آن به جای بدن زنده به جسد مرده حمله می‌شود (A Global History of Execution and the Criminal Corpse, ۲۰۱۵: p۴). در جو و فضای انقلابی قرن ۱۸ و ۱۹ اروپا لینچ کردن (۱۸) افراد هم دیده می‌شد. در خلال قرن ۱۸ م برخی اندیشه‌ورزان اروپایی از کاربرد اعدام و دیگر مجازات‌های خشونت‌بار انتقاد کردند و بعدها این مسئله در ایران هم نمود یافت. لذا قواعد و قوانین نوینی در این دوران تدوین شد تا در رفتار با مجرمان تجدیدنظر به عمل آید. به قول فوکو «... کیفر دیگر بر تعذیب به‌منزله تکنیک درد جسمانی متمرکز نبود...» (فوکو، ۱۳۸۸: ۲۶). آئین‌های مدرن اعدام گواهی بر فرایند دوگانه محو نمایش و حذف درد است.

تغییر و تحولات در ساختار جامعه ایرانی که با مشروطیت به شکل بارزی نمود یافت خود را به شکلی دیگر در عرصه مجازات‌ها نمایانگر ساخت. آیا ملت ایران که در قانون اساسی منبع مشروعیت بخش نظام سیاسی قلمداد شده بودند، امکان مجازات‌های دهشتناک گذشته در خصوص آن‌ها وجود داشت؟ اعدام‌های گذشته متناظر با ساختار سیاسی پیشامدرن است که ساختاری ضد دموکراتیک است (۱۹) و از آنجایی که مردم تحت عنوان رعیت (۲۰) فاقد هرگونه حقوقی هستند لذا اعدام‌های دهشتناک آن‌ها هم در قاپوچه‌ها غیرقابل اشکال به شمار می‌رفت. در بستر نوین و با پیدایش مشروطیت سربریدن به‌عنوان عمل غیرانسانی به تدریج از صحنه اعدام‌ها حذف گردید و دار و طناب (۲۱) جانشین آن شد. محل اعدام نیز از میدان پاقاپوق به باغشاه و سپس به میدان توپخانه (۲۲) تغییر یافت (شهری، بی‌تا: ۲۰۵ و ۲۰۴). چنانکه از شیوه اعدام میرزا جهانگیرخان در باغشاه قدری از این تفاوت‌ها مشهود شده بود (دولت‌آبادی، ۱۳۶۱: ۳۳۷). همین‌طور اعدام دکتر حشمت از یاران میرزا کوچک خان در میدان قرق کارگزاری رشت به وسیله دار صورت گرفت. در این واقعه وقتی که طناب دار بالا کشیده شد مردم زیادی که آنجا صحنه را تماشا می‌کردند گریه‌کنان بر سروصورت خود می‌زدند ولی درعین حال از واکنش علیه متصدیان و مأموران اجتناب ورزیدند (کشاورز، بی‌تا: ۱۲ - ۱۰). ولی این بدان معنا نیست که مجازات‌های دهشتناک گذشته بعد از مشروطه به کلی منسوخ گردیدند بلکه در گوشه و کنار و گاه و بی‌گاه شکنجه‌های گذشته اعمال می‌شد چنانکه سردار جنگ بختیاری نسبت به اسرا شکنجه‌های زیر

را اعمال می‌کرد: سرخ کردن حلقه آهنی و انداختن آن در گردن، گداختن میل‌های آهنی و فروبردن آن در طول ماهیچه‌های پا، قرار دادن خمیر در اطراف سر و ریختن روغن داغ در وسط آن (دشتی، ۱۳۸۰: ۱۱۴). یا معاضد السلطان که زیر جسدش خرده‌شیشه ریخته و او را بر شیشه کشیدند تا جان سپرد (رکن زاده آدمیت، ج ۱، ۱۳۵۷: ۲۸۳). همین‌طور در سال ۱۳۳۴ ه.ق دو تن از نوکران قوام الملک والی شیراز را دم توپ گذاشتند (اخگر، ۱۳۳۶: ۲۱۵).

در دوره رضاشاه روند تغییرات در عرصه حقوق کیفری تداوم یافت و داور و همکارانش در وزارت عدلیه مبادرت به تدوین قوانین در عرصه‌های مختلف کردند. در قوانین جزائی جدید که در دوره رضاشاه به تصویب رسید مجازات اعدام اساساً منحصر به قتل، جنایت، میهن‌فروشی و شورش مسلحانه شده بود و دیگر مثل سابق نبود که بتوان برای هر جرمی مجازات اعدام تراشید. یکی از آیین‌نامه‌های مهم این دوران قانون مجازات عمومی بود. اما به‌طور ویژه آیین‌نامه‌ای در ۲۵ بهمن ۱۳۰۶ برای اجرای حکم اعدام تدوین شد و در سال ۱۳۰۷ داور وزیر عدلیه آیین‌نامه‌ای دیگر مشتمل بر ۲۰ ماده به تصویب رساند. برخی از مواد مهم آیین‌نامه اخیر (۲۳) به شرح ذیل می‌باشد:

ماده اول: محکوم به اعدام مصلوب (۲۴) می‌شود.

ماده چهارم: اداره نظمیه ظرف ۴۸ ساعت پس از اطلاع وسایل اجرا را از قبیل مهیاکردن محل، تهیه چوب‌دار، طناب و غیره را فراهم خواهد ساخت.

ماده پنجم: موقع اجرای حکم اعدام اول آفتاب خواهد بود و محل آن را اداره نظمیه معین خواهد کرد.

ماده ششم: قبل از اجرای حکم مدعی‌العموم محکمه جنایی و طبیب قانونی در محبس محکوم رفته طبیب او را معاینه کرده و در صورتی که محکوم تقاضای ملاقات کسی را بنماید مدعی‌العموم فوراً به احضار آنان اقدام خواهد کرد، مشروط بر اینکه قبول این درخواست موجب تأخیر اجرای حکم نشود.

ماده نهم: آداب مذهبی قبل از اجرای حکم بر طبق مقررات مذهبی محکوم به عمل خواهد آمد.

ماده چهاردهم: اجرای حکم به‌این‌ترتیب به عمل می‌آید که پس از اجازه مدعی‌العموم منشی رأی محکمه را با صدای بلند قرائت کرده و پس‌از آن بلافاصله مأمورین مخصوصی حکم را اجرا خواهند کرد.

ماده شانزدهم: نعش مصلوب باید یک ساعت در بالای دار بماند.

ماده هفدهم: پس از یک ساعت نعش مصلوب را طبیب قانونی معاینه کرده و در صورتی که کسان مشارالیه تسلیم او را تقاضا نکنند بر طبق مراسم معموله دفن خواهد شد. در این صورت کلیه مخارج به عهده دولت است» (مجموعه قوانین و مقررات سال‌های ۱۳۱۲-۱۳۰۰، ۱۳۸۸: ۳۲۹).

با بررسی آئین‌نامه فوق روشن می‌شود که تشریفات نوینی در اجرای حکم اعدام لحاظ شده بود (۲۵). یکی از تشریفات این مراسم معاینه محکوم توسط پزشک بود و این معاینه قبل و بعد از اجرای حکم انجام می‌شد (۲۶) و پس از اطمینان از مرگ دستور حمل جنازه به قبرستان داده می‌شد (۲۷). از دیگر تشریفات مهم اعدام، مراسم مذهبی بود. انجام این مراسم درباره محکومان دادگاه‌های نظامی توسط قاضی عسکر (۲۸) انجام می‌شد (سلطانی، ۱۳۸۴: ۱۳۶). قاضی عسکر یک ورقه کاغذ در اختیار اعدامی‌ها می‌گذاشت تا وصایای خود را بنویسند و محکوم وصیت را می‌نوشت و امضا می‌کرد. صرف‌نظر از وصیت‌نامه، دیگر وظیفه قاضی عسکر، قرائت ادعیه خاص و تکرار آن توسط محکوم به اعدام بود. البته بین محکومان دادگاه‌های نظامی و محکومان دادگاه‌های عمومی در نوع اعدام تفاوت وجود داشت. درحالی‌که محکومان دادگاه‌های عمومی را دار می‌زدند، برای جرائم نظامی تیرباران تعیین شده بود (آنسل، ۱۳۵۶: ۵۱). نحوه اعدام محکومان به مرگ در دادگاه‌های نظامی، اعم از زندانیان سیاسی و محکومین نظامی (۲۹) بدین شرح بود: محکوم را در محل معین شده به تیر چوبی می‌بستند، و طرز بستن به تیر (دار) این بود که یک قطعه طناب را به دور پای محکوم و سپس دنباله آن را به دور کمر بسته (خسروپناه، ۱۳۸۳: ۳۱۱ و ۳۱۲) و سپس چشمان اعدامی را با پارچه می‌بستند. لیکن برخی مواقع طبق درخواست محکومان، از بستن چشم اجتناب می‌شد (۳۰) (آوانسیان، ۱۳۵۸: ۵۴ و ۵۵؛ پسبان، ۱۳۷۰: ۲۴۶). اعدام به شیوه تیرباران در نظر کسانی چون موسوی بجنوردی در قیاس با اعدام به شیوه دار زدن مناسب‌تر بود چراکه شنیده حاکی از آن بود که در دار زدن‌ها چشم‌ها از حدقه بیرون زده، زبان از دهان بیرون می‌آمد و در ضمن فرد خودش را کثیف می‌کرد (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۱: ۱۱۰).

در دوره پهلوی اعدام‌ها دور از چشم مردم انجام می‌گرفت و تنها جنایتکاران و راهزنان در شهرهایشان و درملاء اعدام می‌شدند. اعدام سردار معزز بجنوردی در سال ۱۳۰۴ و ۶ تن دیگر از برادران و زیردستانش در میدان حرب از این دست است (بهار، ۱۳۸۶: ۲۴۱ - ۲۳۸). به‌عنوان نمونه‌ای دیگر اعدام ۴ تن از سارقانی که به هتک حرمت به ناموس یک خانواده اقرار کرده بودند در ۱۶ مهرماه ۱۳۰۵ ه.ش به شرح ذیل بوده است: در میدان رشت مقابل کارگذاری چوبه‌های دار برپا شد و ۴ نفر را به دار آویختند. در موقع اعدام متجاوز از ۸۰۰۰ نفر مرد و زن برای تماشا حاضر بودند (اطلاعات، سال اول، شماره ۴۸، ۱۷ مهرماه ۱۳۰۵). در مورد اعدام دیگری محکوم در محاکم عادی گزارشی نقل شده است که بر مبنای آن نقش اعدامی یک ساعت بالای دار می‌بود (اطلاعات، سال دوم، شماره ۴۵۹، ۱۸

فروردین ۱۳۰۷). حضور زنان در صحنه اعدام‌ها در میدان‌های شهرها که با ضجه و لابه آنان همراه بود، باعث بروز بی‌نظمی در مراسم می‌شد و مسئولان با تجارب متعدد در این زمینه پیشنهاد ممانعت از ورود آنان به میدان‌های اجرای حکم را ارائه دادند (اطلاعات، سال ۲، شماره ۴۷۲، ۲ اردیبهشت ۱۳۰۷) و بدین ترتیب در دوره تصدی درگاهی بر نظمیه از ورود زنان به میدان توپخانه (محل اعدام‌ها) ممانعت به عمل آمد.

کاهش و افزایش اعدام‌ها نسبت مستقیمی با شدت و ضعف دیکتاتوری داشت؛ در دهه بیست شمسی زندانیان سیاسی به‌ندرت اعدام می‌شدند اما بعد از کودتای ۲۸ مرداد و نیز دهه پنجاه شمسی، تعداد اعدامی‌ها رو به فزونی گذاشت. حسین فاطمی وزیر خارجه دولت مصدق در سحرگاه ۱۹ آبان ماه ۱۳۳۳ در لشکر ۲ زرهی با حضور تیمور بختیار فرماندار نظامی تهران، سرتیپ آزموده دادستان ارتش و عده‌ای دیگر اعدام شد. بر اساس گواهی شاهدان و پزشکان معالج، فاطمی در لحظه اعدام دو درجه تب داشت و او را با برانکار به‌سوی میدان تیر انتقال دادند (متین‌دفتری، ۱۳۸۳: ۹۳ و ۴۶؛ حاج قربانعلی، ۱۳۷۰: ۱۴۵ و ۱۴۳).

اما اغلب اعدامی‌ها بعد از کودتای مرداد مربوط به افسران توده‌ای بود. محکومین به اعدام در دسته‌های چهارنفری تیرباران می‌شدند. خبرنگار خبرگزاری رویتر که خود شاهد اعدام نخستین دسته از این اعدام‌ها بود گزارش داده است که اعدامی‌ها درحالی‌که سرودهای وطن‌پرستانه و شعار علیه شاه سر می‌دادند، تیرباران شدند (۳۱). این اعدام‌ها به اعتراضات شدید داخلی و خارجی منجر شد (آبراهامیان، ۱۳۸۲، ۱۳۸ و ۱۳۹). در فاصله ۶ سال پس از واقعه سیاهکل ۹۳ تن در دادگاه‌های نظامی به جوخه‌های آتش‌سپرده شدند. اتهام عمده منتسب به محکومان به اعدام «اقدام علیه امنیت کشور» و «براندازی نظام» بود (الموتی، ۱۳۷۰: ایران در عصر پهلوی، ۲۶۹).

کسی که به اعدام محکوم می‌شد، ده روز فرصت فرجام‌خواهی داشت و اگر فرجامی خواهی در کار نبود بعد از ده روز فرد را اعدام می‌کردند (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۱: ۱۰۹). اگر محکوم به اعدام حکمش یک درجه تقلیل می‌یافت، به حبس ابد تبدیل می‌شد و بلافاصله او را به زندان عمومی منتقل می‌کردند (سماکار، ۱۳۸۲: ۲۴۸؛ خاکساران، ۱۳۸۳: ۱۹۴) درواقع خویشان و نزدیکان محکوم به اعدام تلاش می‌کردند تا حکم اعدام را به حبس ابد تغییر دهند (دادش‌زاده، ۱۳۸۹: ۲۰۹). چنانکه برخی مواقع، اعدامی‌ها با یک درجه تخفیف، مشمول حکم حبس ابد می‌شدند (۳۲) (الموتی، ۱۳۷۰: فصولی از مبارزات...، ۳۱۱؛ میثمی، ۱۳۸۲: ۱۲۲ و ۱۲۳؛ جعفری، ۱۳۸۹: ۴۸۷). انتظار کشیدن و عدم تعیین دقیق زمان اجرای حکم، شکنجه روحی بزرگی برای محکومین به اعدام بود (عباسی، ۱۹۸۹: ۳۶۲ و ۳۲۴).

برخی اعدامی‌ها قریب به یک سال زیر حکم اعدام بودند و بارها شایعات مختلف درباره آن‌ها منتشر می‌شد (عمومی، ۱۳۷۷: ۱۱۵). دیوان عالی کشور پرونده صفرخان را به مدت سه سال طول داد و در حقیقت او سه سال زیر اعدام بود و پس از سه سال حکم به حبس ابد تبدیل شد (صفرخان، ۱۳۷۸: ۱۱۶ و ۱۱۹). بنابراین پس‌ازاینکه دادگاه تجدیدنظر حکم اعدام را تأیید کرد، محکوم می‌توانست درخواست فرجام‌خواهی کند و درباره فرجام‌خواهی، تنها شاه می‌توانست نظر بدهد.

فردی که محکوم به اعدام می‌شد مقررات خاصی درباره او اعمال می‌شد. مهم‌ترین آن این بود که وی را به سلول انفرادی می‌انداختند و گاه روز قبل از اجرای حکم یک نگهبان برای مراقبت از محکوم می‌افزودند (دشتی، ۱۳۵۲: ۱۰۰؛ سماکار، ۱۳۸۲: ۲۴۸). مراقبت از محکومان به اعدام بسیار حساس بود و به دلیل اینکه مرگ چنین افرادی حتمی بود، این احتمال وجود داشت که به هرگونه اقدامی مبادرت کنند. ازاین‌جهت دستور داده می‌شد که هیچ فردی حق رفت‌وآمد با افراد ساکن سلول‌های انفرادی محکومان به اعدام را نداشت (پسیان، ۱۳۷۰: ۲۲۷). محکومین به اعدام از حزب ملل اسلامی (۳۳) را در سلول قفس ماندنی نگهداری می‌کردند تا از هر طرف برای نگهبانان قابل‌رؤیت باشد (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۱: ۱۰۳). علوی در خصوص اعدام زندانیان ابراز می‌دارد: معمولاً وقتی کسی را برای اعدام می‌بردند، رخت و لباسش را از زندانی می‌گرفتند و آن‌ها را در دفتر زندان نگهداری می‌کردند (علوی، ۱۳۹۲: ۱۱۲).

زندانیانی را که در زندان قصر به اعدام محکوم می‌شدند، به محوطه تپه‌گونه میان زندان و پادگان قصر می‌بردند و بر فراز بلندی‌های آن اعدام می‌کردند. در اواخر دوران پهلوی دوم اعدام‌ها در زندان قصر در خارج از باغ اجرا می‌شد (خاطرات روزنامه نامه‌نگاران زندانی، ۱۳۸۳: ۵۵). در کنار زندان جمشیدیه، زندانی بود که اگر می‌خواستند کسی را اعدام کنند، شب قبل او را به آنجا منتقل می‌کردند و سحرگاه او را به میدان چیتگر برده (۳۴) و اعدام می‌کردند (میثمی، ۱۳۸۲: ۱۲۱ و ۱۲۲). در زندان جمشیدیه رسم بر این بود که شب قبل از اعدام، یک چراغ‌زنبوری پایه‌دار می‌گذاشتند و تا صبح روشن می‌ماند. وقتی این چراغ را روشن می‌کردند معلوم بود فردا صبح یک نفر را اعدام خواهند کرد و اگر دو چراغ روشن بود، به معنای دو نفر اعدامی بود (خاطرات مبارزه و زندان، ۱۳۸۷: ۱۱۶). نکته جالب اینکه در ابتدای دهه ۵۰ هنوز در قانون برای زنان اعدام تعریف نشده بود (حاجبی تبریزی، ۱۳۸۴: ۸۷). ایران شریفی از زنان عادی نخستین زنی بود که در اواخر تابستان ۵۱ به دار آویخته شد (حاجبی تبریزی، ۱۳۸۴: ۹۳ - ۹۱) مدتی بعد در دهه ۵۰ با شروع مبارزات مسلحانه شمار زندانیان سیاسی زنی که تیرباران شدند نیز رو به فزونی گذارد (براهنی، ۱۳۵۸: ۴۲). در همین زمان وقتی شمار اعدام زندانیان

سیاسی رو به ازدیاد گذارد، یک‌رشته‌ فعالیت و تظاهرات‌های داخل و خارج از کشور، حکومت پهلوی را ناگزیر کرد تا برخی از اعدام‌ها را به حبس ابد تخفیف دهد.

نتیجه

مقاله حاضر به بررسی شیوه‌های اعدام در دوره‌ی قاجار و پهلوی پرداخته است با این مسئله که در گذار از دوره قاجار به عصر جدید چه تغییراتی در شیوه‌ها و آئین‌های اعدام صورت پذیرفت. روش‌های اعدام در دوره قاجار مانند گذشته بسیار متنوع بود و ده‌ها نوع اعدام بسته به نوع جرم افراد امکان وقوع داشت چنانکه مرگ هزار باره از قبیل شمع آجین کردن، زنده‌به‌گور کردن، چهارمیخ کردن، اره کردن بدن، آتش زدن و ... اعمال می‌شد. در مرگ هزار باره تعذیب طولانی جسم مطمح نظر بود چنانکه در مجازات چهارمیخ کشیدن فرد چند روز به طول می‌انجامید. درواقع در اینجا هنر مجازات زیستن در درد و رنج جسمانی است. برخی ویژگی‌های کلیدی در تمام اعدام‌های روزگاران گذشته را می‌توان احصاء کرد و از آن جمله نمایش عمومی اعدام در میداین با حضور مردم، تعذیب دهشتناک بدنی و شکنجه طولانی مجرم بود. از اواسط دوره ناصرالدین‌شاه و بویژه با وقوع مشروطه تغییر و تحولاتی در فنون اعدام صورت پذیرفت. عکس‌برداری از محکومان به اعدام به‌عنوان امری ضروری وارد عرصه این مجازات شد. از نقطه‌نظر نشانه‌شناختی عکس انداختن به معنای اعدام و نیست کردن به شمار می‌آمد. اتفاقاً به همین جهت بود که وقتی بعداً در دوره‌ی مشروطه به‌منظور جمع‌آوری سوابق مجرمان از زندانیان انگشت‌نگاری و عکس‌برداری می‌کردند، زندانیان به‌شدت از نزدیک شدن به دستگاه انگشت‌نگاری و عکس‌برداری امتناع می‌ورزیدند. آن‌ها هنوز عکس‌برداری را نشانه‌ای از مرگ تلقی می‌کردند؛ تلقی که کاملاً خطا بود و آنان به تحول در معنای نشانه‌ها آگاهی نداشتند. در دوره‌ی رضاشاه هم یکی از نشانه‌های اعدام سیگاری بود که ادیب‌السلطنه رئیس پلیس قبل از اجرای حکم به محکوم تعارف می‌کرد و سیگار نماد و نشانه‌ای از مرگ بود.

نمایش عمومی اعدام که از حیث روان‌شناختی بر فرد افراد حاضر در نمایش تأثیر عمیقی می‌گذاشت در دوره‌ی بعد از مشروطه به‌تدریج حذف شد. خشونت‌های دهشتناک نسبت به بدن مجرمان تعدیل و به‌جای مرگ‌های هزار باره، دار و طناب و بعدها تیرباران برای محکومان محاکم نظامی و سیاسی‌ها در نظر گرفته شد. در تیرباران به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین انواع اعدام در دوره‌ی جدید شاید بتوانیم بگوییم که ما با نقطه صفر تعذیب روبرو هستیم؛ نقطه صفری که در یک آن به

حیات محکوم خاتمه داده می‌شود. در دوره‌ی جدید که با تدوین قوانین کیفری مواجه هستیم ویژگی‌های نمایشی و انضمامی مجازات اعدام دوره قاجار که با حضور عامه مردم همراه بود جای خود را به اعدام در گوشه زندان‌ها و مکان‌هایی مانند زندان قصر، چیتگر و ... می‌دهد و حضور مردم از صحنه اعدام‌ها به‌استثنای اعدام قاتلان و راهزنان حذف می‌شود. در اعدام دوره جدید به جزء چند تن شامل نماینده پزشکی قانونی، دادستان ارتش و قاضی عسکر کسی اجازه حضور در مراسم را نداشت. در صحنه نوین اعدام به‌جای تشریفات گذشته رسوم جدیدی تعریف شد. حضور پزشک در صحنه اعدام و معاینه فرد قبل و پس از اعدام و نیز برگزاری مراسم مذهبی از الزامات نوین اعدام به شمار می‌آید. اعدام در دوره قاجار که با سربریدن‌ها و شمع آجین کردن‌ها همراه بود نه روشی وحشیانه بلکه منطق مجازات روزگاران گذشته یعنی تعذیب دهشتناک معطوف به بدن مجرم بوده است؛ درحالی که از دوران مشروطه منطق مجازات اعدام و تکنیک‌های آن دستخوش دگرگونی شدند. بنابراین قدرت در هر دوره شیوه‌های متفاوتی از سرکوب و خشونت را در پیش می‌گیرد و به نظر می‌رسد که مکانیسم‌های انقیاد و به‌تبع آن اعدام در دوره جدید دستخوش دگرگونی شده است ولی این‌همه بدان معنا نیست که این شیوه‌ها معطوف به رفتار انسانی با محکومان به اعدام است.

یادداشت‌ها

- ۱- برای نمونه بنگرید به: (کشفی دارابی، ۱۳۹۵: ۲۲۶ و ۲۲۵).
- ۲- به‌عنوان شاهد قصد و نیت قتل نفس، گناه است هرچند هیچ‌گاه در قالب عمل ظاهر نشود زیرا خداوند بر اسرار و اندیشه‌های آدمی آگاه است. ولی تا وقتی آن قصد و نیت در شکل و صورت عملی ظاهر نشود، نمی‌توان آن را جرم به شمار آورد.
- ۳- اعدام از ریشه «عدم» به معنای «نیست کردن» است و از آن در حقوق کیفری نوین با عنوان «مجازات سلب حیات» یاد می‌شود. در زبان فرانسه از اعدام با عنوان «la peine de mort» یعنی کیفر مرگ یا اعدام یاد می‌شود و جالب آنکه *mori* در زبان لاتین، *mort* در فرانسه، *muerto* در اسپانیایی و *morto* در زبان ایتالیایی هم‌ریشه واژه مرگ و مردن در زبان فارسی هستند (آریانپور، ۱۳۸۴: ۴۶۹ و ۴۶۸). ذکر این نکته نیز خالی از لطف نیست که واژه «مرد» با «مردن» هم‌ریشه است و «زن» هم با زندگی و زاینده‌گی پیوند دارد.
- ۴- سزار بکاریا از مخالفان جدی اعدام بود.
- ۵- موافقان مجازات اعدام بر این باورند که ترس از اعدام قاتلان را از قتل مردم بازمی‌دارد (بی، ۱۳۸۱: ۷۳۳).
- ۶- برخی از دلایل مخالفان کیفر اعدام به‌قرار زیر است: غیرقابل‌جبران بودن اشتباه قضایی ناشی از اجرای اعدام، فقدان حق جامعه در سلب حیات محکوم‌علیه، عدم امکان اصلاح بزهکار با مجازات اعدام، فقدان جنبه ارعایی مجازات اعدام نسبت به بزهکاران حرفه‌ای، فقدان حق سلب حیات برای جامعه جرم‌زا. در مقابل دلایل موافقان اعدام به شرح زیر است: استغفار و مکافات عمل با اعدام، سرعت اجرای مجازات اعدام نسبت به تداوم شدت حبس دائم، نقش مجازات اعدام در نفی حالت خطرناک متجاوزین، ارعاب و تسلیم افراد در جامعه (گلدوزیان، ۱۳۸۴: ۳۱۷-۳۱۶).
- ۷- اصلاحی که راقم این سطور آن را از فوکو به عاریت گرفته است.
- ۸- ردپایی از این‌گونه مجازات‌ها همچنان در زبان روزمره باقی است چنانکه «گوش بریدن» و «پوست سر کندن» که در زبان عوام استعمال می‌شود، ریشه در شکنجه‌های واقعی در روزگاران گذشته دارند.
- ۹- قاپوق اصطلاحی ترکی به چوبی در یک میدان عمومی که مجرمان را در پای آن اعدام می‌کردند، اطلاق می‌گردید.
- ۱۰- فردی به نام گیوتین دستگاهی برای اعدام ساخت که به نام او به گیوتین شهرت یافت. ماری آنتوانت همسر لویی شانزدهم در یک نمایش عمومی اعدام با گیوتین به قتل رسید. گیوتین هم اعدام را به نقطه صفر تعدیب می‌رساند.
- ۱۱- یکی از معروف‌ترین میرغضبان دوره ناصرالدین‌شاه قدیر بود که در سربریدن مهارت تمام داشت (امیرعلایی، ۱۳۵۷: ۳۲).

۱۲- دوره ناصرالدین شاه

۱۳- زندان عصر قاجاری را انبار می‌نامیدند که برخی مواقع اعدام‌ها در محوطه انبار صورت می‌گرفت و آن وقت اجساد را در چاهی که به منزله قبر اعدام‌شدگان به شمار می‌آمد، می‌انداختند (دولت‌آبادی، ۱۳۶۱: ۳۷۳).

۱۴- دوره مشروطه

۱۵- در شمع آجین کردن در بدن قربانی نقاط متعددی را سوراخ کرده و در هر سوراخ شمعی فرومی‌کردند تا محکوم بدین صورت سوزانیده شود.

۱۶- اعدام میرزا رضای کرمانی در روز ۱۷ ذی‌القعدة ۱۳۱۳ در میدان مشق و به وسیله دار انجام شد (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۵۷: ۹۹؛ کاساکوفسکی، ۲۵۳۵: ۹۷ و ۹۶). جسد او تمام روز ۳۱ ژوئیه و ۱ اوت ۱۸۹۶ بر دار بود. بعد جسد او را پایین آورده و به یهودیان تسلیم کردند. یهودیان نعش را از دروازه شمیران بیرون برده و در آنجا در گودال عظیمی برای خوردن سگ‌ها و لاشخورها سرنگون کردند (همان: ۹۸). جسد میرزا جهانگیرخان و ملک‌المتکلمین را نیز پس از اعدام در باغشاه در خندق شهر تهران انداختند (دولت‌آبادی، ۱۳۶۱: ۳۳۷).

۱۷- در اروپای قرون وسطی هر طبقه و گروهی مجازات خاص خود را داشت؛ فی‌المثل سرب‌بریدن مختص نجبا، زنده‌به‌گور کردن ویژه زنان، پارو زدن یا گالر برای جنایتکاران به حبس با اعمال شاقه بود (امیرعلایی، ۱۳۵۷: ۲۵ - ۲۳).

۱۸- محاکمه و اعدام متهمان از سوی مردم محل بدون انجام تشریفات قانونی

۱۹- به‌منظور فهم ساختار طبقاتی دموکراتیک و ضد دموکراتیک به آثار لیپست از جمله انسان سیاسی مراجعه کنید.

۲۰- گله

۲۱- دار مرکب از دو تیر چوبی افقی و عمودی و یک رشته طناب بود که به گردن مجرم می‌بستند و سپس مجرم را از آن آویزان می‌کردند (مدرسی و دیگران، ۱۳۸۰: ۲۴۹).

۲۲- حسین‌الله و رشیدالسلطان از اعضای کمیته مجازات در میدان توپخانه به دار آویخته شدند (بهرامی، ۱۳۶۳: ۵۲۱).

۲۳- این آئین‌نامه مربوط به محکومین محاکم عادی است.

۲۴- به دار آویختن

۲۵- در این تشریفات نوین اعدام دلخوشی دادن به اعدامی هم موردتوجه بود بطوریکه در این باب ضرب‌المثلی هم در میان مردم متداول شده بود؛ «سیگار ادیب‌السلطنه» نمونه‌ای از همین مثل‌هاست. ادیب‌السلطنه سمیعی (سرپاس رادسر بعدی) مدتی رئیس پلیس بود و هرگاه می‌خواستند کسی را اعدام کنند، به محکوم، سیگار تعارف می‌کرد و به همین دلیل سیگار ادیب‌السلطنه کنایه‌ای از اعدام و مرگ بود (طبری، بی‌تا، ۴۵) مثل دیگر درباره اعدام «فلانی را درویش کردند» بود (سلطانی، ۱۳۸۴: ۱۸۳، پاورقی).

۲۶- در مواردی مانند قتل تیمورتاش در زندان قصر باز معاینه توسط طبیب قانونی انجام می‌گرفت (ابتهاج، ۱۳۷۱: ۳۸ - ۳۶).

۲۷- جنازه‌های قاتلان منصور یعنی افرادی چون نیک نژاد را در قبرستان مسگر آباد دفن کردند (عراقی، ۱۳۷۰: ۲۵۳). برخی اعدامی‌ها را نیز بدون کوچک‌ترین علامت مشخصی و به شکل پنهانی در قبرستان دفن می‌کردند (صفرخان، ۱۳۷۸: ۱۲۸).

۲۸- روحانی لشکر

۲۹- محسن جهانسوز یکی از نمونه‌های مهم محکومان نظامی که به اتهام توطئه علیه سلطنت محکوم به اعدام گردید. جهانسوز را پس از بازجویی و اتمام مراحل دادگاه در مورخ ۱۳۱۸/۱۲/۲۳ اعدام کردند. اعدام وی در اراضی کاظم‌آباد واقع در شمال شرقی قصر با حضور دادستان ارتش و سرگرد والی نماینده لشکر ۲ پادگان مرکز و دکتر خسرو خاور پزشک قانونی صورت گرفت. جهانسوز نیز به مانند علی مردان خان از بستن چشمانش با موافقت دادستان ارتش ممانعت به عمل آورد و پس از تیرباران جسد او را به «اداره درگذشتگان» تحویل دادند (پسیان، ۱۳۷۰: ۲۴۸).

۳۰- از جمله افراد معروفی که در این دوران و به شیوه جدید اعدام شد علی مردان خان بختیاری بود. او به‌عنوان یکی از رؤسای ایل بختیاری مدتی را در قصر محبوس بود و بعداً او را اعدام کردند. روز اعدام قاضی عسکر که برای نوشتن وصیت و انجام آداب و مراسم مذهبی به نزد علی مردان خان رفت، خان بختیاری به قاضی عسکر اظهار داشت که فقط تقاضا دارد که از سینه به بالای بدنش مور اصابت گلوله قرار نگیرد و نعش او را به اصفهان برده به مادرش تحویل دهند تا در آرامگاه خانوادگی به خاک سپرده شود. علی مردان خان را متعاقب آن به میدان تیر برده و تیرباران کردند (سلطانی، ۱۳۸۴: ۱۳۷ و ۱۳۶). تیرباران او در اسفند ۱۳۱۳ و در حیاط زندان قصر انجام گرفت. چوبه داری در زندان برپا شد و تعدادی از نظامیان مسلح آماده شدند. یکی از نظامیان خواست طبق قاعده چشمان علی‌مردان خان را ببندد که او اجازه نداد. او را به چوبه دار بسته و تیرباران کردند (همان: ۱۵۶ و ۱۵۵). به‌عنوان نمونه‌ای دیگر می‌توان اعدام خسرو روزبه در ۲۱ اردیبهشت ۱۳۳۷ را نام برد. او هم به هنگام تیرباران با چشمان باز به‌سوی مرگ شتافت (روزبه، بی‌تا: ۱۰۱).

۳۱- همسران این افسران اعدامی ابتدا به شهر هاله و بعد به لایپزیک در آلمان شرقی مهاجرت کردند (طبری، ۱۳۶۷: ۲۱۴).

۳۲- مسعود رجوی به دلیل تلاش‌های برادرش کاظم در سوئیس و نامه حقوقدانان آن کشور به شاه حکم اعدامش به حبس ابد مبدل شد و همین‌طور حکم اعدام بهمن بازرگانی پس از اعدام برادرش محمد با کوشش خویشانش به حبس ابد تبدیل شد (نجات حسینی، ۱۳۸۲: ۳۱۱).

۳۳- گروهی معتقد به مبارزه مسلحانه به رهبری موسوی بجنوردی که در سال ۴۴ دستگیر شدند.

۳۴- خسرو گلسرخى را در ۲۹ بهمن ۱۳۵۲ در دادگاه نظامى به اعدام محكوم و سپس در ميدان چیتگر تیرباران کردند (سما کار، ۱۳۸۱: ۲۶۰).

Archive of SID

منابع

- آبراهامیان، پرواند (۱۳۸۲) اعترافات شکنجه‌شدگان، ترجمه رضا شریف‌ها، سوئد: نشر باران.
- آریانپور، منوچهر (۱۳۸۴) فرهنگ ریشه‌های هندواروپایی زبان فارسی، اصفهان: جهاد دانشگاهی اصفهان.
- آنسل، مارک (۱۳۵۶) مجازات اعدام، چاپ دوم، ترجمه مصطفی رحیمی، تهران: آگاه.
- آوانسیان، اردشیر (۱۳۵۸) یادداشت‌های زندان ۱۹۲۸ - ۱۹۴۲، بی‌جا: انتشارات حزب توده ایران.
- ابتهاج، ابوالحسن (۱۳۷۱) خاطرات ابوالحسن ابتهاج، ج ۱، تهران: علمی.
- اخگر، احمد (۱۳۳۶) زندگی من در هفتادسال تاریخ معاصر ایران، ج ۱، بی‌جا: اخگر.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۷) تاریخ منتظم ناصری، جلد سوم: به تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب.
- الموتی، مصطفی (۱۳۷۰) ایران در عصر پهلوی، لندن: بی‌نا.
- الموتی، ضیاءالدین (۱۳۷۰) فصولی از تاریخ مبارزات سیاسی اجتماعی ایران، تهران: چاپخش.
- امیرعلایی، شمس‌الدین (۱۳۵۷) مجازات اعدام، تهران: کتاب‌فروشی دهخدا.
- بی‌ی، ازل (۱۳۸۱) روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ج ۲، ترجمه رضا فاضل، تهران: انتشارات سمت.
- براهنی، رضا (۱۳۵۸) در انقلاب ایران چه شده است و چه خواهد شد؟، تهران: کتاب زمان.
- بری دال، سون (۱۳۸۰) گزارش نظمیه تهران سال‌های ۱۹۱۵-۱۹۱۲، ترجمه عبدالرضا بهادری، تهران: دستان.
- بهار، ملک الشعراء (۱۳۸۶) تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۲، چاپ پنجم، تهران: امیرکبیر.
- بهرامی، عبدالله (۱۳۶۳) خاطرات، تهران: انتشارات علمی.
- پسیان، نجفقلی (۱۳۷۰) واقعه اعدام جهانسوز، تهران: مدبر.
- پیشه‌وری، جعفر (۱۳۸۴) زندان رضاشاه، به کوشش شاهرخ فرزاد، تهران: انتشارات شیرین.
- ثواقب، جهانبخش (۱۳۹۴) مجازات‌های عرفی مجرمان در عصر قاجاریه (از آغاز تا مشروطه ۱۳۲۴ - ۱۲۰۹)، جستارهای تاریخی، سال ششم، شماره اول، صص ۴۵ - ۲۳.
- حاجبی تبریزی، ویدا (۱۳۸۴) داد بی‌داد: نخستین زندان زنان سیاسی (۱۳۵۷ - ۱۳۵۰)، ج ۱، ج ۳، تهران، بازتاب نگار.
- حاج سیدجوادی، علی‌اصغر (۱۳۵۷) نامه‌ها، چاپ دوم، بی‌جا: انتشارات تندر.
- حاج قربانعلی، ابوالفضل (۱۳۷۰) چهره دکتر حسین فاطمی، بی‌جا: گلشن.
- خاطرات روزنامه‌نگاران زندانی (۱۳۸۳) گردآوری و تدوین سید فرید قاسمی، تهران: نشر آبی.
- خاطرات مبارزه و زندان (فصل سوم خاطرات علی‌محمد آقا) (۱۳۸۷) تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

خاکساران، محمدحسن (۱۳۸۳) *خاطرات محمدحسن خاکساران*، تهران: تدوین مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

خزائی، یعقوب (۱۳۹۶) *فرایند ساخت یابی نهاد زندان*، چاپ دوم، تهران: آگه.
 خسروپناه، محمدحسین (۱۳۸۳) *سازمان افسران حزب توده از درون*، تهران: پیام امروز.
 داداش‌زاده، کاوه (۱۳۸۹) *پادشاه زندان‌ها*، تهران: خجسته.
 دشتی، علی (۱۳۸۰) *ایام محبس*، تهران: اساطیر.
 دشتی، علی (۱۳۵۲) *ایام محبس*، چاپ ششم، کتاب‌های پرستو.
 دلانوا، کریستین (۱۳۷۱) *ساواک*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: طرح نو.
 دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۶۱) *حیات یحیی*، جلد دوم، چاپ سوم، تهران: انتشارات عطار.
 دیولافوا (۱۳۶۱) *سفرنامه دیولافوا*، چاپ دوم، ترجمه فره‌وشی، تهران: کتابفروشی خیام.
 رکن زاده آدمیت، محمدحسین (۱۳۵۷) *فارس و جنگ بین‌الملل*، جلد ۱، چاپ چهارم، تهران: انتشارات اقبال.

روزبه، منوچهر (بی‌تا) *زندگی خانوادگی - نظامی و مبارزات خسرو روزبه*، بی‌جا: بی‌نا.
 زریخت، مرتضی (۱۳۸۲) *خاطراتی از سازمان افسران حزب توده ایران*، تهران: انتشارات ققنوس.
 سایکس، سرپرسی (۱۳۷۰) *تاریخ ایران*، ترجمه سید محمدتقی فخر داعی گیلانی، ج ۲، چاپ پنجم، تهران: دنیای کتاب.

سحابی، عزت‌الله (۱۳۸۸) *نیم‌قرن خاطره و تجربه*، جلد اول، تهران: نشر فرهنگ صبا.
 سرنا، کارلا (۱۳۶۲) *آدم‌ها و آئین‌ها در ایران*، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران: زوار.
 سلطانی، محمدطاهر (۱۳۸۴) *خاطرات سلطانی «از قصرشیرین تا قصر قاجار»*، به اهتمام محمدعلی سلطانی، تهران: سپا.

سماکار، عباس (۱۳۸۲) *من یک شورشی هستم*، چاپ دوم، تهران: مهراندیش.
 سیفی فمی تفرشی، مرتضی (۱۳۶۲) *نظم و نظمیة در دوره قاجاریه*، تهران: انتشارات یساولی (فرهنگسرا).
 شهری، جعفر (بی‌تا) *گوشه‌ای از تاریخ اجتماعی تهران قدیم*، بی‌جا: بی‌نا.
 شین‌جو، سوزوکی (۱۳۹۳) *سفرنامه سوزوکی شین‌جو سفر به فلات ایران (۱۳۲۳ ق.ه)*، ترجمه هاشم رجب‌زاده و کینجی نه‌اورا، تهران: طهوری.

صفرخان (۱۳۷۸) *خاطرات صفرخان*، به کوشش علی‌اشرف درویشیان، تهران: نشر چشمه.
 طبری، احسان (بی‌تا) *شکنجه‌های رضاخان قلدر*، بی‌جا: ۱. آهن.
 طبری، احسان (۱۳۶۷) *کژراهه*، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر.
 عباسی، روح‌الله (۱۹۸۹) *خاطرات یک افسر توده‌ای*، بی‌جا: انتشارات فرهنگ.

- عراقی، حاج مهدی (۱۳۷۰) ناگفته‌ها خاطرات شهید حاج مهدی عراقی، به کوشش محمود مقدسی، مسعود دهشور، حمیدرضا شیرازی، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- علوی، بزرگ (۱۳۹۲) ورق‌پاره‌های زندان، چاپ سوم، تهران: انتشارات نگاه.
- عمویی، محمدعلی (۱۳۷۷) درد زمانه، بی‌جا: آنزان.
- فوروکاوا (۱۳۸۴) سفرنامه فوروکاوا، ترجمه هاشم رجب‌زاده و کیتیچی‌ئه اورا، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- فوکو، میشل (۱۳۸۸) مراقبت و تنبیه، چاپ هشتم، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران: نشر نی.
- کاساکوفسکی (۲۵۳۵) خاطرات کلنل کاساکوفسکی، ترجمه عباس‌قلی جلی، تهران: چاپ کاویان.
- کرزن، جرج. ن (۱۳۷۳) ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، جلد اول، چاپ چهارم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کسروی، احمد (۱۳۷۸) تاریخ مشروطه ایران، چاپ نوزدهم، تهران: امیرکبیر.
- کشاوری، فریدون (بی‌تا) پروژه تاریخ شفاهی ایران، ج ۱۴، نوار شماره ۲.
- کشفی دارابی، سید جعفر بن اسحاق موسوی (۱۳۹۵) آثار عقل در سیاست مدن (بخش سیاست مدن تحفه الملوک)، در: سیاست‌نامه‌های قاجاری، ج ۱، به تصحیح غلامحسین زرگری نژاد، تهران: نگارستان اندیشه.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۴) بایسته‌های حقوق جزای عمومی، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات میزان.
- لسانی، ابوالفضل (۱۳۳۱) مجازات اعدام، ماهنامه کانون وکلای دادگستری، سال چهارم، شماره ۴.
- متین دفتری، هدایت (۱۳۸۳) دکتر حسین فاطمی: نوشته‌های مخفیگاه و زندان، آلمان - کلن: بی‌نا.
- مجموعه قوانین و مقررات سال‌های ۱۳۱۲-۱۳۰۰ (۱۳۸۸) بخش اول، تهران: روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران
- مختاری، پاشا لواء (۱۳۲۹) تاریخ هفتادساله پلیس ایران، بی‌جا: چاپخانه ارتش.
- ملکی، خلیل (۱۳۶۸) خاطرات سیاسی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- موسوی بجنوردی، سید کاظم (۱۳۸۱) مسی به رنگ شفق، به اهتمام علی‌اکبر رنجبر کرمانی، تهران: نشر نی.
- میثمی، لطف‌الله (۱۳۸۲) آن‌ها که رفتند، ج ۲، تهران: انتشارات صمدیه.
- ناظم الاسلام کرمانی (۱۳۵۷) تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۱، به تصحیح علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- نجات حسینی، محسن (۱۳۸۲) بر فراز خلیج فارس، چاپ سوم، خاطرات محسن نجات حسینی (عضو سابق مجاهدین خلق ایران (۱۳۵۵ - ۱۳۴۵)، تهران: نشر نی.

ویلس، چارلز جیمس (۱۳۶۳) تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه، به کوشش جمشید دودانگه مهرداد نیکنام، تهران: انتشارات زرین.

جعفری، سید محمدمهدی (۱۳۸۹) همگام با آزادی خاطرات شفاهی دکتر سید محمدمهدی جعفری، مصاحبه و تدوین سیدقاسم یاحسینی، قم: صحیفه خرد.
یحیی مدرس و حسین سامعی و زهرا صفوی مبرهن (۱۳۸۰) فرهنگ اصطلاحات دوره قاجار (قشون و نظمیه)، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

روزنامه‌ها و مجلات

«اجرای حکم اعدام» در: خاطرات وحید، ۱۳۵۴، شماره ۴۱.
اطلاعات، سال اول، شماره ۴۸، ۱۷ مهرماه ۱۳۰۵.
اطلاعات، سال ۲، شماره ۴۷۲، ۲ اردیبهشت ۱۳۰۷.
اطلاعات، سال دوم، شماره ۵۰۸، ۱۹ خرداد ۱۳۰۷.

تصاویر

آرشیو عکس موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

منابع خارجی:

Foucault, Michel, (۲۰۰۴) *Surveiller et punir, Naissance de la prison*, Gallimard, Paris.

A Global History of Execution and the Criminal Corpse, (۲۰۱۵) Edited by Richard Ward, Palgrave Macmillan.

Summersdale Publishers Ltd, UK. Geoffrey Abbott (۲۰۰۶) Amazing True Stories of Execution Blunders.

جدول بررسی تطبیقی اعدام در دوره قاجار و پهلوی						
کیفیت اعدام	مکان	مدت اعدام	تشریفات پزشکی و اداری	تشریفات مذهبی	نحوه اعدام	ویژگی دوره
شکنجه‌های دردناک	درم‌الاعام و میدان‌های شهرها	طولانی	عکس برداری (قبل از اعدام)	—	سربریدن (زنده به گور کردن، چهارمیخ کردن، دریدن شکم و ...)	قاجار (قبل از مشروطه)
حذف نسبی درد	در مکان‌های خصوصی مانند زندان‌ها	سریع و آنی	معاینه پزشک قبل و بعد از اعدام	اجرای مراسم مذهبی (محکومان دادگاه‌های نظامی با حضور قاضی (عسکر)	دار زدن (محکومان عادی) تیرباران (محکومان سیاسی)	مشروطه و پهلوی



تصویر شماره ۱: اعدام در میدان قاپق در تهران دوره ناصرالدین شاه (آرشیو عکس موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران) ترجمه متن زیر عکس: «میدان قاپق در تهران که فردی به دستور پادشاه ایران در سال ۱۸۹۶ اعدام شده است».



اعدام اصغر بروجردی قاتل سریالی دوره رضاشاه در سال ۱۳۱۳، میدان توپخانه

Archive SID